

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران: یک مطالعه تجربی طی دوره 1385-1350

یوسف محنت فر* و تورج دهقانی**

هدف از این مقاله بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران طی دوره 1350-1385 می باشد. ضمن مروری بر متون مختلف در این زمینه از اطلاعات آماری بانک مرکزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و صندوق بین المللی پول به صورت سری زمانی و روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در برآورد الگوی اقتصادسنجی استفاده شده است. از مهمترین متغیرهای توضیحی به عنوان عوامل مؤثر بر افزایش سطح عمومی قیمتها در کشور می توان به تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز، میزان حجم پول، صادرات کالاها و درآمدهای نفتی اشاره کرد. نتایج حاصل از برآورد الگو نشان می دهد که این متغیرها بر افزایش میزان تورم در اقتصاد ایران مؤثر و معنی دار هستند. بنابراین دولت باید سیاستهای پولی انقباضی را در راستای جلوگیری از افزایش سطح عمومی قیمتها بر اساس اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی و چشم انداز بیست ساله کشور اجرا نماید.

واژه های کلیدی: تورم، نقدینگی، نظریه مقداری پول، سیاست پولی انقباضی، روش حداقل مربعات معمولی.

1. مقدمه

صرف نظر از جنبه اقتصادی، تورم دارای آثار و ابعاد سیاسی و اجتماعی گسترده ای است زیرا همانند بیکاری، با زندگی فرد جوامع انسانی ارتباط مستقیم و روزمره دارد و اغلب مردم چون

* دکتری اقتصاد - عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران

** دکتری اقتصاد - عضو هیئت علمی مرکز مطالعات انرژی وزارت نفت

باید در قبال افزایش قیمت‌ها و دستمزدها، تدابیر و اقدامات مناسبی اتخاذ نمایند به نحوی با تورم مواجه هستند. از این‌رو، به جرئت می‌توان گفت که ثبات و سلامت رژیم‌های سیاسی و اجتماعی تا حد زیادی در گرو مهار تورم و کاهش نرخ بیکاری است. به دلیل آثار زیانبار یاد شده، اغلب دولت‌ها به ویژه طی دو دهه اخیر، به کاهش نرخ تورم به عنوان هدف اصلی سیاست‌های اقتصادی خود مبادرت نموده‌اند. نرخ تورم در کشور ما در سال‌های اخیر افزایش داشته است که این امر سبب کاهش قدرت خرید مردم و نگرانی جامعه نسبت به آینده زندگی خود شده است. در اقتصاد ایران یکی از عوامل مهم در افزایش میزان تورم طی سال‌های اخیر افزایش حجم پول بوده ولی متغیرهای دیگری مانند نرخ ارز، افزایش جمعیت و افزایش هزینه عوامل تولید نیز بر میزان تورم اثر داشته است.

2. مروری بر مبانی نظری

به‌طور کلی می‌توان گفت تورم عبارت است از افزایش عمومی و مداوم سطح عمومی قیمت‌ها. بنابراین ویژگی اصلی تورم، تداوم و عمومیت افزایش قیمت‌هاست، لذا افزایش ناگهانی قیمت‌ها و همچنین افزایش قیمت یک یا چند کالای خاص، تورم به شمار نمی‌آید. پس نکته حائز اهمیت در تعریف تورم، عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست، بدین معنا که قیمت‌ها باید به صورت مداوم در طی زمان افزایش داشته باشند. اگر قیمت‌ها در یک دوره خاص افزایش یابند و سپس این روند صعودی قطع شود به این فرایند تورم اطلاق نمی‌شود، چرا که افزایش صعودی در قیمت‌ها باید تداوم داشته باشد.

قیمت کالاها و خدمات مورد استفاده در اندازه‌گیری تورم، معمولاً شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده است که در ایران شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI)¹ نامیده می‌شود و هر ماه توسط بانک مرکزی محاسبه و منتشر می‌گردد. تورم را برحسب معیارهای مختلفی می‌توان طبقه‌بندی نمود. معمولاً تورم را به چهار نوع تقسیم نموده‌اند: تورم اجتناب‌ناپذیر، تورم خزنده²، تورم شدید³ و تورم بسیار شدید یا فوق تورم⁴. تورم اجتناب‌ناپذیر که عوامل سیاسی و اجتماعی ایجادکننده آن است معمولاً تا 3 درصد در نظر گرفته می‌شود. تورم بین 3 تا 10 درصد، تورم خزننده به شمار می‌رود که در آن قیمت‌ها به آرامی افزایش و در نتیجه قدرت خرید پول به تدریج

1. Consumer Price Index
2. Creeping Inflation
3. Hyperinflation
4. Galloping Inflation

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران ...

کاهش می‌یابد. در تورم شدید، شاخص قیمت‌ها سالانه بیش از 10 درصد افزایش می‌یابد و اثر آن به گونه‌ای است که واحدهای اقتصادی آن را از طریق مبادلات خود به طور مستقیم احساس می‌کنند و در تصمیمات اقتصادی خود دخالت می‌دهند. به یقین این نوع تورم، مسائل سیاسی و اجتماعی در پی خواهد داشت و دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به آن بی‌توجه باشند. نوع خاصی از تورم شدید که در آن افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به میزانی بیش از 50 درصد را به دنبال دارد، فوق تورم (ابر تورم) نامیده می‌شود.

به طور کلی اقتصاددانان از نظر اهداف کلان اقتصادی، بر مواردی همچون اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها (کنترل تورم)، توزیع عادلانه درآمد و رشد مداوم اقتصادی تأکید دارند. کنترل تورم به عنوان یکی از اهداف سیاست کلان اقتصادی به دلیل آثار مخربش همیشه مورد توجه اقتصاددانان بوده است. از آثار مخرب تورم می‌توان به توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی و به زیان حقوق‌بگیران، افزایش نااطمینانی و در نتیجه کوتاه‌تر شدن افق زمانی تصمیم‌گیری و کاهش سرمایه‌گذاری بلندمدت و عوامل متعدد دیگر اشاره نمود.

نکته قابل توجه در خصوص تورم آن است که اقتصاددانان مکاتب مختلف در خصوص علل ایجاد تورم با یکدیگر توافق نظر ندارند. اقتصاددانان مکتب کلاسیک با اعتقاد به این مطلب که بخش حقیقی از بخش پولی جداست، معتقدند سطح تولید و اشتغال با توجه به شرایط رقابت کامل و قانون سی¹ در سطح اشتغال کامل تعیین می‌شود و هر تغییری در بخش پولی اقتصاد روی متغیرهای حقیقی اقتصاد تأثیری ندارد. بر اساس این فرض که تولید به دلیل انعطاف‌پذیری کامل قیمت در سطح اشتغال کامل قرار دارد، سیاست مالی و پولی بر تولید اثر ندارد. سیاست مالی بر نرخ بهره، ترکیب مخارج میان دولت و بخش خصوصی و میان سرمایه‌گذاری و مخارج مصرفی تأثیرگذار است و سیاست پولی بر هیچ یک از متغیرهای حقیقی و حتی بر ترکیب تولید نیز اثر ندارد و صرفاً منجر به تغییر قیمت‌ها می‌شود.

این مفاهیم ضمنی درباره آثار سیاست‌های پولی بر تولید، هماهنگ با نظریه مقداری پول است. این نظریه بدین معناست که سطح قیمت دارای رابطه‌ای متناسب با موجودی پول است. به این ترتیب در نظریه کلاسیک‌ها پول بی‌اثر (خنثی) است و در نتیجه تغییرات در موجودی پول فقط به تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد و بر متغیرهای حقیقی هیچ اثری ندارد. بر اساس این نظریه با توجه به شکل خاص تقاضای پول می‌توان اظهار نمود که تنها علت تورم، رشد حجم پول در اقتصاد است و برای درمان تورم، کاهش حجم پول پیشنهاد می‌شود.

از نظر نئوکلاسیک‌ها، تورم مسئله بسیار ساده و کم‌اهمیتی می‌باشد زیرا بر اساس نظریه مقداری پول و با توجه به ثابت بودن سطح تولید و سرعت گردش پول معتقدند که اگر مقامات پولی تنها میزان رشد عرضه پول را کنترل کنند، آنگاه تورم به عنوان یک معضل اقتصادی بروز نخواهد کرد.

اقتصاددانان مکتب کینزی فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل را علت اساسی تورم عنوان کرده و معتقدند علت اصلی افزایش تقاضا را باید در دو بخش پول و کالا جستجو نمود. در بازار کالا افزایش مخارج مصرفی مستقل، افزایش سرمایه‌گذاری مستقل و عواملی از این دست منجر به بروز اضافه تقاضا و ایجاد تورم می‌شود.

پولیون¹ هم تورم را یک پدیده پولی می‌دانند. این ادعا که تورم یک پدیده پولی است بدان مفهوم است که رشد مستمر و بالای حجم پول در اقتصاد، منجر به ایجاد تورم بالا می‌شود. از سویی میزان تورم بالا نمی‌تواند به مدت طولانی بدون میزان بالای رشد پول ادامه یابد. البته پولیون در تفسیر جدید خود از نظریه مقداری پول، عنوان می‌کنند که پول در کوتاه‌مدت خنثی نیست و بر متغیرهای حقیقی اثر دارد ولی در بلندمدت نظریه کلاسیک‌ها را مبنی بر خنثی بودن پول می‌پذیرند. اقتصاددانان مکتب ساختارگرا، ریشه‌های تورم را در ضعف بخشهای کشاورزی و تجارت خارجی و یا کاهش درآمدی اندک سیستم مالیاتی می‌دانند. براساس دیدگاه مکتب ساختارگرایان² علت اصلی تورم، سیاستهای ارادی پولی و مالی دولت نیست بلکه عدم تعادل‌های اساسی در نظام اقتصادی است که رشد عرضه پول را به دنبال دارد.

این مقاله شامل پنج بخش است که در بخش اول به مبانی و تعریف تورم و در بخش دوم به مبانی نظری، مطالعات انجام شده در جهان و ایران پرداخته شده است. در بخش سوم روش تحقیق و معرفی الگو و در بخش چهارم تحلیل نتایج اقتصادسنجی و در بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه شده است.

1-2. نظریه مقداری پول³

قبل از انتشار کتاب *نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول* نوشته جان مینارد کینز، در میان اقتصاددانان یک اتفاق نظر عمومی در خصوص علل ایجادکننده تورم وجود داشت. این اقتصاددانان بر اساس

1. Monetarists
2. Structuralist
3. Quantity Theory of Money

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران ...

نظریه معروف اقتصادی به نام نظریه مقداری پول^۱ منشأ ایجاد تورم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند^۲. درباره این نظریه دو تفسیر وجود دارد که به صورت اجمالی در مورد هر یک بحث می‌کنیم.

2-1-1. معادله مبادله فیشر

ایروینگ فیشر^۳ تجزیه و تحلیل خویش را از طریق معادله مبادله زیر آغاز می‌نماید:

$$MV = PY \quad (1)$$

M حجم ذخایر پول، V سرعت گردش پول، P سطح عمومی قیمت‌ها و Y سطح محصول تولید شده در اقتصاد را نشان می‌دهد.

بر اساس این نظریه، با فرض این که سرعت گردش پول و تولید ثابت است، هرگاه حجم پول در اقتصاد n درصد بالا رود، قیمت‌ها نیز به همان نسبت (n درصد) افزایش می‌یابد. تحلیل افزایش متناسب قیمت‌ها بدین صورت است که افزایش حجم پول سبب می‌شود در اقتصاد نسبت به مقداری که برای مبادله در اشتغال کامل لازم است، اضافه پول به وجود آید، ذخایر پولی تدریجاً خرج می‌شوند و از آنجا که سطح محصول و سرعت گردش پول در اقتصاد ثابت است سطح عمومی قیمت‌ها به همان میزان افزایش می‌یابد تا این که ذخایر اضافی از بین برود.

2-1-2. مبادله کمبریج

صورت دیگری از فرمول‌بندی نظریه مقداری پول که در بسیاری از موارد قانع‌کننده‌تر است، شکلی است که اقتصاددانان دانشگاه کمبریج مطرح کرده‌اند. این معادله را از نظر ریاضی می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$MV = PY \quad k = \frac{1}{V} \quad M = kPY$$
$$\frac{M}{P} = kY \quad \hat{M} = kY \quad (2)$$

که در رابطه بالا $\frac{M}{P}$ حجم واقعی پول، و k عکس سرعت گردش پول و Y تولید ناخالص داخلی واقعی می‌باشد.

1. بر اساس این نظریه، سطح عمومی قیمت‌ها مستقیماً با مقدار پول در جریان و سرعت گردش آن و به طور غیرمستقیم با حجم تجارت تغییر می‌نماید.

2. فریدون تفضلی (1381)

اقتصاددانان مکتب کمبریج نیز همان فرضیات مکتب قبل را پذیرفته (ثابت بودن سطح تولید و سرعت گردش پول) و بنابر این فرضیه‌ها، نتیجه حاصل توسط فیشر در این مکتب نیز به راحتی قابل استخراج است. به این شکل که هر تغییری در حجم پول به تغییر متناسب در سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود.

پولیون اعتقاد دارند «تورم یک پدیده پولی است» این جمله معروف فریدمن را که «تورم همیشه و همه‌جا یک پدیده پولی است» می‌توان به عنوان شعار واحد اقتصاددانان پولی مطرح نمود. این ادعا که تورم یک پدیده پولی است بدان مفهوم است که میزان بالا و مستمر رشد پول سبب ایجاد تورم بالا می‌شود. این دیدگاه که تورم یک پدیده پولی است، مفهوم ضمنی نظریه مقداری پول است.¹

کینز، استدلال خویش برای ایجاد تورم را این طور ارائه می‌کند که اگر تقاضا برای کالاهای مصرفی بیش از عرضه آنها باشد، این اضافه تقاضا شکاف تورمی ایجاد کرده و قیمت‌ها آنقدر افزایش می‌یابد تا این شکاف پر شود.

بر خلاف دو نظریه قبلی (مکتب کلاسیک‌ها و کینزی‌ها) که فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه را علت اصلی تورم می‌دانند، این نظریه، افزایش هزینه‌های تولید و انتقال منحنی عرضه کل را علت اصلی رشد قیمت‌ها می‌داند. این نظریه آن هنگام ارائه شد که پدیده «تورم توأم با بیکاری» در دهه 1970 به وقوع پیوست. با شروع چنین اتفاقاتی دیگر نظریه‌های قبلی، قادر به توضیح این پدیده‌ها نبود.

نئوکیزین‌ها از جمله توپین، فرم گسترش یافته الگوی رجحان نقدینگی را مطرح کردند، بدین معنی که در ارتباط با وجود داراییهای مختلف در سبد، دارایی‌های واقعی مانند پول و اوراق قرضه با هم نیز وجود دارد. بنابراین تقاضای پول به میزان نرخ بهره جاری و شرایط تورمی در آینده بستگی دارد و این مهم می‌تواند بر میزان سپرده‌گذاری مردم نزد بانکها اثر بگذارد.

کلاسیک‌ها و همچنین نئوکلاسیک‌ها تورم را یک پدیده پولی می‌دانند. از نظر آنها ایجاد تورم ناشی از افزایش عرضه پول در شرایط اشتغال کامل و ثابت بودن سرعت گردش پول است.² نوت ویکسل³ بیان می‌کند که بین حجم پول و قیمت‌ها به‌طور غیرمستقیم رابطه وجود دارد.

بر اساس نظریه‌های ساختاری تورم، ریشه‌های بنیانی تورم در ساختار اقتصادی جامعه نهفته است. به‌طور کلی می‌توان گفت اساس مطلب ساختارگرایان این است که در کشورهای در حال

1. حسین عباسی‌نژاد و احمد تشکینی (1383)

2. Irving Fisher (1911)

3. Knut Wicksell (1965)

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران ...

توسعه، تورم معلول عدم توازن‌های ساختاری و کشش‌ناپذیری عرضه در بخشهای کلیدی اقتصاد است و این که برای درمان اصولی تورم تغییر در نظام تولید، ساختار اقتصادی و توزیع درآمد ضروری است، بدین معنا است که سیاستهای ضد تورمی نباید به عنوان یک واکنش مقطعی نسبت به شرایط بحرانی تلقی شود، بلکه باید جزئی از استراتژی توسعه باشد.

2-2. بررسی تورم در کشورهای جهان

در اوایل دهه 1920، آلمان با تورمی بسیار شدید روبرو شد. شاخص قیمت‌ها در آلمان از آغاز جنگ اول جهانی تا سال 1924 افزایش یافت. در سالهای اول پس از جنگ نیز به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. در سال 1921 سطح عمومی قیمت‌ها 20 برابر سطح عمومی قیمت‌ها در سال 1914 بود هرچند این رقم هنوز قبل از تورم شدید به شمار می‌آمد. در خلال سالهای 1922 و 1923، انفجار قیمت‌ها رخ داد. از اوت 1922 تا نوامبر 1923 متوسط نرخ تورم ماهانه 322 درصد بود. در اواخر سال 1923 شاخص قیمت‌ها 126160 میلیارد (در مقایسه با 100 در سال 1913)

بود. نرخ تورم در آلمان در سالهای 2001 و 2002 و 2003 به ترتیب برابر با 1/9 و 1/3 و 1 درصد بوده است.¹

پول در این فاصله در اقتصاد آلمان بی‌ارزش شد. مالکان دارایی‌های مالی (مانند سپرده‌های بانکی) مقادیر بسیار زیادی از ثروت خود را از دست دادند. در پایان سال 1923 اگر فردی تمامی حجم پول در جریان این کشور در سال 1918 را در اختیار داشت، با آن می‌توانست تنها مقدار کمی سبزمینی خریداری کند. برخی به خاطر سود بردن از تورم شدید مقدار بسیار زیادی وام گرفته و دارایی‌های قابل لمس خریداری نموده و سودهای کلانی به دست آوردند. در مورد فشارهای اجتماعی تورم شدید در آلمان، یکی از اقتصاددانانی که وضعیت این دوره را مطالعه کرده، نوشته است:² «تورم یک انقلاب جدی در طبقات اجتماعی به وجود آورد. افراد معدودی ثروتهای فراوان انباشته ساختند، در حالی که میلیونها نفر به شدت فقیر شدند. تورم با محترک ساختن اکثر مردم آنها را مسموم ساخت، کسی رغبتی به انجام کار مولد نشان نمی‌داد. تورم مشکلات سیاسی و اخلاقی نیز به وجود آورد. مردم آلمان در این سالها با وضعیت هولناکی روبرو بودند.»

1. IMF 2005

2. *Ibid*

قابل توجه است که در دهه 1990 برخی از کشورهای در حال توسعه تورم بسیار شدید را نیز تجربه کرده‌اند. برای مثال نرخ تورم سالانه در اوایل دهه 1990 در آرژانتین 3314 درصد، در برزیل 2938 درصد و در پرو 7482 درصد در سال بوده است. همچنین نرخ تورم در سال 1988 در پرو 10205 درصد و در سال 1985 در بولیوی 11748 درصد بوده است. در فاصله سالهای (1985-1991) کمترین افزایش قیمت‌ها مربوط به کشورهای صنعتی و بیشترین آنها مربوط به کشورهای نیمکره غربی شامل کشورهای آمریکای لاتین می‌باشد. یادآوری می‌شود که در کشورهای صنعتی جهان در بعضی از سالهای (1985-1991) حتی قیمت‌ها با کاهش نیز مواجه بوده است. اما در مجموع شاخص قیمت از 100 در سال 1985 تا 108/5 در سال 1991 تغییر کرده است درحالی که شاخص قیمت در کشورهای در حال توسعه و کشورهای نیمکره غربی طی مدت مشابه به ترتیب 1677/3 و 74829/9 تغییر یافته است. این وضعیت، تورم بسیار شدید مخصوصاً در کشورهای نیمکره غربی را نشان می‌دهد.¹ نرخ تورم در کشور انگلیس در سال 2006 به 3 درصد رسید و از طرف دیگر نرخ بهره تا حدود 5/25 درصد افزایش یافت. یکی از علل افزایش میزان تورم در این کشور افزایش نرخ بهره، همچنین افزایش قیمت سوخت بوده است.

بخش اعظم رشد اقتصادی جهان در سال 2007 نیز از آن کشور چین است اگرچه نرخ رشد اقتصادی این کشور کاهش یافته و تک رقمی شده است. در سال 2007 چین به لحاظ برابری قدرت خرید از هر کشور دیگری در جهان موجب افزایش ثروت در اقتصاد جهانی شده است اما هندوستان یعنی دیگر غول اقتصادی نوظهور جهان نمی‌تواند در زمره دوازده کشوری قرار گیرد که بالاترین درصد رشد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند (به جدول (1) مراجعه شود). رشد اقتصادی و میزان تورم در ایران در سال 2007 به ترتیب برابر با 4/8، 15/4 درصد بوده و صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده بود که این مقادیر در سال 2008 به ترتیب به 5/8 و 19 درصد برسد. در میان کشورهای خاورمیانه در سال 2007 بالاترین میزان تورم مربوط به عراق با 45 درصد و کمترین میزان تورم با 0/7 درصد مربوط به عربستان سعودی می‌باشد.²

افزایش نرخ رشد اقتصادی در کشورهای یاد شده در جدول (1)، باعث کاهش میزان تورم در اقتصاد آنها شده است. در ایران رشد اقتصادی در سال 1384 تا 1385 حدود 4/8 درصد بوده است بنابراین برای کاهش میزان تورم در اقتصاد کشور، افزایش رشد تولید می‌تواند مؤثر

1. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: احمد جعفری صمیمی (1372)

2. International Monetary Fund (2007)

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران ...

باشد. در سال 1385 از میزان 40 درصد نقدینگی در کشور، 13/5 درصد برای افزایش حقوق کارکنان دولت و حدود 5 درصد در افزایش تولید و حدود 21/5 درصد در معاملات واسطه قرار گرفته است. این امر یکی از دلایل مهم افزایش میزان تورم در اقتصاد ایران تلقی می شود.

جدول 1. کشور های دارای بالاترین رشد اقتصادی

در سالهای 2006-2007

رتبه	کشور	رشد اقتصادی (درصد)
1	آذربایجان	17/5
2	آنگولا	12/8
3	سودان	10/9
4	لبنان	10/2
5	چین	9/8
6	ارمنستان	9/0
7	قطر	8/9
8	قزاقستان	8/7
9	امارات	8/2
10	استونی	7/8
11	لیبی	7/8
12	لتونی	7/5

مأخذ: چشم انداز اقتصادی جهان، سپتامبر 2006.

3-2. بررسی تورم در ایران و مطالعات انجام شده در این خصوص

در دوره زمانی 1351-1338 (دوره 13 ساله)، سه برنامه توسعه عمرانی در کشور اجرا شد. در طول برنامه عمرانی سوم که دوره ثبات قیمتهاست، اقتصاد ایران به طور متوسط سالانه 10 درصد رشد داشته است. نرخ رشد نقدینگی خصوصی به طور متوسط سالانه 16/1 درصد بوده و رشد متوسط شاخص قیمت های مصرف کننده 1/4 درصد در سال بوده است. دوره ای که برنامه عمرانی چهارم اجرا می شود، سطح عمومی قیمت ها شروع به افزایش می کند و پس از ثبات قیمت ها در دوره قبل، دوره ای شروع می شود که آرام آرام نرخ تورم افزایش می یابد. مهمترین تکانه برای اقتصاد ایران قبل از انقلاب را می توان تکانه نفتی سال 1353 دانست. در دوران (1356-1352) افزایش قیمت نفت و به دنبال آن افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت، منجر به افزایش شدید نقدینگی شد. این مسئله همراه با افزایش اعتبارات به بخش های مختلف، تقاضای داخلی را به شدت افزایش داد اما به دلیل ظرفیت محدود کشور برای جذب دلارهای حاصل از فروش نفت و عدم

فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره 49

تبادل بین عرضه و تقاضای کل، در نهایت تورم شدیدی به وجود آمد. کمبود زیرساختها اعم از جاده، بندر، امکانات حمل و نقل، نیروهای متخصص و نبود مدیریت کارآمد باعث شد که بخش عرضه اقتصاد نتواند مازاد تقاضا را تأمین نماید، در نتیجه قیمتها افزایش یافت و اقتصاد کشور با پدیده جدیدی به نام تورم وارداتی مواجه شد.

کشور ما بعد از تکانه نفتی سال 1353، وقوع انقلاب در سال 1357، تکانه دوم نفتی در سال 1358 و جنگ ایران و عراق در سال 1359 و اجرای سیاست یکسانسازی نرخ ارز در سال 1372 و شوک نفتی سال 1377 را تجربه کرد. بعد از دوره 1356-1352 که شرایط رکودی و تورمی رخ داد، دوره جدید تحت شرایطی آغاز شد که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، روندی کاهشی داشت. تشکیل سرمایه ثابت داخلی به قیمتهای ثابت سال 1376 در سال 1355، به میزان قابل توجهی نسبت به سال قبل افزایش یافت اما از این سال به بعد روند کاهشی آغاز شد و در سالهای 1356، 1357 و 1358 رشد منفی یافت. یعنی نه تنها سرمایه جدیدتری انباشته نشده بود بلکه مقداری از موجودی قبلی مستهلک شده یا بخشی از آن از بین رفته بود. با یک چنین میراثی، انقلاب یک تغییر حکومت را به دنبال خویش به همراه آورد که به دلیل اعتصابات و مشکلات دیگر، تولید به میزان چشمگیری کاهش یافت. شروع جنگ تحمیلی ایران و عراق در شهریور ماه 1359، ضربه دیگری به پیکره اقتصاد ایران وارد آورد. به دنبال این جنگ، تحریم اقتصادی و کمبود کالا، ضرورت سهمیه‌بندی در کالاها و توزیع کوپنی آن را ایجاب نمود. افزایش نقدینگی واقعی در نخستین سالهای جنگ ایران و عراق که ناشی از کسری بودجه دولت بود نرخ تورم را از 11 درصد در سال 1358 به 23 درصد در سال 1360 رساند.¹ متعاقب آن نرخ تورم در سال 1374 به حدود 49 درصد رسید و در سالهای برنامه دوم توسعه روند کاهشی یافت و طی برنامه سوم توسعه اقتصادی، دولت برای کنترل نرخ تورم اقداماتی انجام داد به طوری که این نرخ طی سالهای 1382 و 1383 به ترتیب برابر 15/1 و 15/8 درصد بوده است.

در چند سال اخیر، تورم در کشور ما با نرخی نگران‌کننده در حال افزایش بوده و به تدریج به مهمترین مشکل فعلی اقتصاد کشور مبدل شده است. تورم اخیر که در رویدادهای سالهای اولیه دهه 1350 و سالهای دفاع مقدس (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران) و مخارج سرسام‌آور این دوره ریشه دارد، ابتدا از بازار عوامل تولید شروع شد و سپس رفته‌رفته به بازار کالاها سرایت نمود و علی‌رغم تلاش‌های جدی در مهار آن طی این مدت (1383-1350) به وخامت رسید. بی‌تردید این پدیده شوم اقتصادی هزینه‌هایی برای اقتصاد کشور به دنبال دارد. به همین دلیل، دولت برای

1. حسین عباس نژاد و افسانه شفیعی (1384)

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران ...

جلوگیری از هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تورم باید به تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها به عنوان هدف اصلی سیاست‌های اقتصادی خود مبادرت نماید.¹

کاملی از عوامل مؤثر بر تورم دارد. یکی از عواملی که در چند سال اخیر بر میزان تورم مؤثر بوده رشد بالای نقدینگی در اقتصاد کشور می‌باشد. میزان رشد نقدینگی طی سالهای برنامه سوم که باید حدود 16/1 درصد افزایش پیدا می‌کرد متأسفانه در سالهای (1379-1383) به ترتیب برابر با 29/3، 28/8، 30/1، 29/2، 30/1 درصد افزایش پیدا کرده است. به همین علت یکی از عوامل مؤثر بر تورم در ایران نقدینگی تلقی شده است. رشد نقدینگی بر اساس برنامه چهارم 24 درصد است

ولی این میزان رشد در سال 1384 به حدود 37 درصد و در سال 1385 به حدود 40 درصد رسیده است.

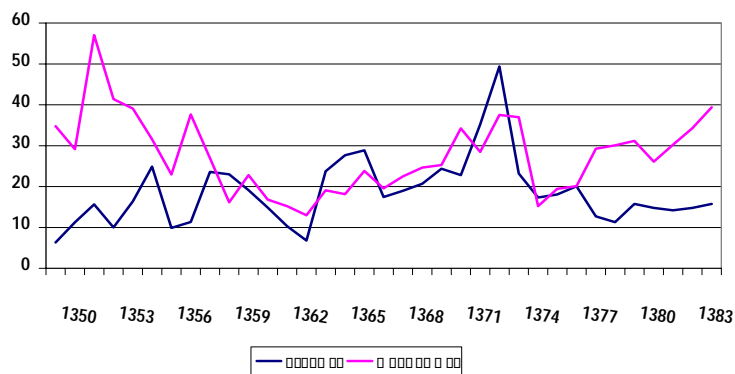
طی سالهای (1374-1368) تورم موجود در ایران از نوع «تورم مهار شده»² بوده است. در این نوع تورم میزان افزایش قیمت‌ها کمتر از افزایش حجم پول در گردش است که دولت بنا به ضرورت از «سیاست‌های درآمدی»³ که روشی برای مهار تورم در شرایط خاص و بحرانی زمان جنگ می‌باشد استفاده می‌کند. روشن است که توفیق اجرای این سیاست، بستگی به کارایی نظام اداری و سیاسی کشور دارد. بر اساس آمارهای ارائه شده در فاصله سالهای 1348 تا 1383 انواع تورم‌ها (تورم اجتناب‌ناپذیر، تورم خزنده، تورم شدید و تورم بسیار شدید) در اقتصاد کشور تجربه شده است. نمودار (1) تغییرات نرخ تورم و رشد حجم پول در اقتصاد ایران را طی سالهای 1350-1385 نشان می‌دهد.

نمودار 1. بررسی نرخ تورم و رشد حجم پول در اقتصاد ایران 1350-1385 (درصد)

2. محمد طیبیان و داود سوری (1375)

1. صندوق بین المللی پول (2003)

فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره 49



مأخذ: بانک مرکزی، *نماگرهای اقتصادی*، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، 1386.

یافته و دو رقمی شده است، به طوری که در طول 35 سال گذشته، نرخ تورم در سال 1374 به 49/4 درصد رسیده است. اگرچه بعد از سال 1374 روند رشد تورم کاهشی بوده، در سالهای 1377 و 1378 یعنی قبل از برنامه توسعه اقتصادی سوم این رقم به ترتیب به 21 و 20/1 درصد رسیده است. البته این امر امیدوارکننده می باشد که میزان تورم در کشور روندی کاهشی داشته و این روند با توجه به سیاستهای دولت در اجرای برنامه های اقتصادی بر اساس سیاست برنامه توسعه کشور ادامه دارد به طوری که در سال 1383 نرخ تورم به حدود 15 درصد رسیده است. باید توجه داشت در سالهای قبل افزایش 75 درصدی قیمت بنزین یکی از دلایل عمده افزایش میزان تورم در اقتصاد ایران تلقی شده است. البته این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که افزایش قیمت یک کالا و حتی چند کالای خاص حتی اگر این کالاها مهم هم باشند به تنهایی نمی تواند به عنوان تورم تلقی شود ولی در کشور ما افزایش قیمت بنزین، همه ساله عامل مؤثری در افزایش قیمت سایر کالاها و خدمات بوده است. نکته مهم آن است که سیاستهای تثبیت در خصوص حاملهای انرژی به خصوص بنزین مصرفی در کشور در سالهای 1384 تا 1385 نتوانسته است در کاهش میزان تورم مؤثر واقع شود.

درباره تورم مطالعات متعددی انجام شده است. برخی از مطالعات رشد بی رویه نقدینگی، برخی فشار هزینه و برخی عوامل ساختاری را منشأ ایجاد تورم در اقتصاد ایران معرفی نموده اند که در ادامه به برخی از این مطالعات پرداخته می شود.

1. اکونومیست در گزارشی پیش بینی کرده است که در سال 2009 نرخ تورم در ایران به 15/8 درصد خواهد رسید.

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران ...

عباسی نژاد و تشکینی (1383) در تحقیق خود نشان داده‌اند که نرخ رشد بالای نقدینگی و افزایش نوسانهای نرخ ارز در بازار ارز، مهمترین عوامل ایجادکننده تورم در اقتصاد ایران می‌باشد.¹ مطالعه دیگری توسط بافکر (1377) انجام شده است. محقق با استفاده از مدلی به دنبال یافتن علل اصلی تورم در ایران است. او نشان می‌دهد که 10 درصد رشد نقدینگی در بلندمدت به رشد 2/7 درصدی در نرخ تورم خرده‌فروشی منجر خواهد شد و باعث رشد نرخ تورم عمده‌فروشی به میزان 3/2 درصد می‌شود. از سویی 10 درصد افزایش در نرخ رشد تولید به کاهش 1/7 درصدی در نرخ تورم خرده‌فروشی منجر می‌شود که به میزان 2/4 درصد نرخ تورم عمده‌فروشی را افزایش می‌دهد. همچنین با برآورد یک مدل تصحیح خطا نشان می‌دهد که با انجام سیاستهای مناسب می‌توان حدود 66 درصد از شکاف نرخ تورم واقعی و نرخ تورم تعادلی را بر نمود. در نهایت نتیجه می‌گیرد که تورم یک پدیده پولی در اقتصاد ایران نیست.

پولین به همراه انتظارات عقلایی با ویژگیهای اقتصاد ایران و یافتن رابطه متغیرهای رشد عرضه پول و تورم در چارچوب پایه‌های نظری برای اقتصاد ایران انجام شده است و نتیجه گرفته شده که تورم و رشد پول همگرا بوده و در بلندمدت یک درصد افزایش در رشد پول منجر به رشد تورم به میزان 0/9 درصد می‌شود. از سویی در این بررسی فرضیه رابطه یک به یک بین متغیرهای مورد نظر قابل رد کردن نیست «یعنی تورم در ایران یک پدیده پولی است».

3. روش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در این تحقیق عوامل مؤثر بر تورم در ایران از سال 1385-1350 با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و در این راستا برای شناخت بیشتر عوامل و نتایج کمی پارامترها، از الگوی لگاریتمی استفاده شده است. جمع‌آوری اطلاعات آماری از طریق مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور صورت گرفته است. در این تحقیق به سؤالات زیر پرداخته شده است.

- آیا افزایش نقدینگی بر افزایش میزان تورم در اقتصاد ایران اثر داشته است؟
- آیا افزایش تولید ناخالص داخلی بر کاهش میزان تورم در اقتصاد ایران اثر داشته است؟

4. بررسی الگوی اقتصادسنجی و نتایج آن

2. حسین عباسی نژاد و احمد تشکینی (1383)

فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره 49

در این قسمت به بررسی تجربی شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و یافتن رابطه تعادلی بلندمدت بین عوامل اساسی تشکیل دهنده آن و اثر شوکهای ناشی از این عوامل بر میزان تورم در اقتصاد ایران با استفاده از اطلاعات سری زمانی سالیانه (1350-1385) پرداخته شده است. عوامل مؤثر بر شاخص قیمتها به شرح زیر است:

$$CPI = f(Mt, Ex, GDP_r, POP; Xt, \dots) \quad (3)$$

CPI : شاخص قیمت کالاها و خدمات

GDP_r : تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت 1376

POP : جمعیت کشور

Mt : حجم پول

Ex : نرخ آزاد ارز

Xt : صادرات کشور

در مقاله حاضر سعی بر آن است که با استفاده از برآورد الگوهای اقتصادسنجی به تفسیر ضرایب متغیرها و بررسی عوامل مؤثر بر میزان تورم در ایران پردازیم. در خصوص برآورد الگوهای اقتصادسنجی، ضمن بررسی و بهره‌گیری از نظریه‌های مربوط به افزایش میزان تورم و همچنین تحقیقات انجام شده در زمینه علل افزایش تورم در سایر کشورهای جهان متغیرهای منحصر به فردی که در کشور ایران از علل افزایش میزان تورم می‌باشد به خصوص میزان نقدینگی را لحاظ نموده‌ایم. حدود زمانی تحقیق در این مقاله سالهای (1350-1385) است که در برآورد مدل‌های اقتصادسنجی، از اطلاعات این دوره استفاده شده است. همچنین از بسته نرم افزاری (Eviews) و روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است.

در این قسمت به بررسی تجربی اهمیت موضوع مورد مطالعه خواهیم پرداخت. ضمن ارائه الگوهای مختلف اقتصادسنجی در زمینه علل افزایش سطح قیمتها در اقتصاد ایران، به تفسیر نتایج الگو به شرح زیر پرداخته خواهد شد.

$$P^{\circ} = \beta_0 + \beta_1 M_r^{\circ} + \beta_2 Y_r^{\circ} + U_i \quad (4)$$

$$P^{\circ} = \frac{0/80}{(21/77)} M_r^{\circ} - \frac{0/42}{(-13/42)} Y_r^{\circ}$$

(اعداد داخل پرانتز آماره t است)

در الگوی نهایی که به صورت لگاریتمی است با استفاده از نظریه مقداری پول، اثر حجم پول بر افزایش میزان تورم در ایران را بررسی نموده‌ایم. همانطور که نتایج کمی الگوی فوق نشان می‌دهد همه متغیرهای مدل اثری خاص و معنی‌دار بر افزایش نرخ تورم (P°) در کشور دارند. رشد حجم پول (M_T°) یکی از عوامل مؤثر بر افزایش میزان تورم طی دوره مورد بررسی بوده است. افزایش رشد تولید ناخالص داخلی (Y_T°) باعث کاهش سطح عمومی قیمتها و در نهایت کاهش میزان تورم شده است. افزایش حجم پول در سالهای مورد بررسی به‌خصوص در سال 1385 که رشد نقدینگی به حدود 40 درصد رسیده را می‌توان به عنوان یکی از عوامل اساسی در افزایش تورم در اقتصاد ایران تلقی کرد.

همان گونه که در مقدمه این مقاله اشاره شد هدف، بررسی نظری و تجربی عوامل مؤثر بر افزایش میزان تورم اقتصاد ایران است. بدین منظور با تکیه بر نظریه‌های مختلف مربوط به تورم، الگوهای مختلف اقتصادسنجی برآورد شده است. قبل از اینکه به بررسی کمی الگوهای اقتصادی بپردازیم ضرورتاً باید به بررسی آثار حجم پول در اقتصاد و اثر آن بر میزان تورم اشاره‌ای داشته باشیم زیرا در این مقاله یکی از علل افزایش میزان تورم افزایش نقدینگی در اقتصاد کشور تلقی شده است. بر اساس نظریه نحله پولی، «تورم همیشه و در همه جا یک پدیده انحصاراً پولی است» و عرضه و تقاضای پول تورم را تعیین می‌کند. معنای این سخن در عین حال این است که در بلندمدت تغییر در حجم پول موجب تغییر سطح عمومی قیمتها می‌شود اما نمی‌تواند اثر ماندگاری روی متغیرهای حقیقی نظیر تولید و بیکاری داشته باشد. این اصل که از آن به خنثی بودن پول در بلندمدت تعبیر می‌شود از محورهای اصلی تفکر نوین در علم اقتصاد کلان محسوب می‌شود و متضمن این نکته است که درآمد واقعی کشورها و تولید و اشتغال در آنها در بلندمدت از عوامل حقیقی نظیر تکنولوژی، رشد جمعیت و رجحان‌ها و سلاقی عوامل و کارگزاران اقتصادی تأثیر می‌پذیرد بنابراین بانکهای مرکزی در بلندمدت از طریق حفظ محیط باثبات و به‌طور خاص از طریق ثبات قیمتها می‌توانند پتانسیل رشد اقتصادی را افزایش دهند اما نمی‌توانند با افزایش حجم پول و یا تعیین نرخ بهره در حد و سطحی غیرسازگار با ثبات قیمتها، به افزایش رشد اقتصادی کمک رسانند بدین ترتیب حوزه تأثیرگذاری سیاستهای پولی¹ فقط به سطح عمومی قیمتها محدود

1. به عقیده فریدمن بهترین قاعده برای سیاست پولی در حالتی اتفاق می‌افتد که پولی منتج از این قاعده قیمتها را افزایش ندهد. شرایط لازم و کافی برای اینکه رشد پولی سبب رشد قیمتها نشود وجود نرخ بهره صفر است. او از چنین

می‌شود، بنابراین تورم اساساً یک پدیده پولی است و سایر عوامل نظیر تغییرات تقاضای کل، تغییرات فناوری یا شوک‌های قیمت که از نظر ناحیه قیمت پاره‌ای از کالا‌های استراتژیک رخ می‌دهد، در افق‌های کوتاه‌مدت بر روی قیمت‌ها اثرگذار است اما با تغییر سیاست پولی آثار آنها خنثی می‌شود.

5. خلاصه، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

بر اساس نتایج اساسی این مقاله مهمترین متغیرهایی که می‌توانند «نرخ تورم» را کاهش دهند عبارت‌اند از کاهش رشد نقدینگی¹ و کاهش نرخ تورم مورد انتظار. برای کاهش رشد نقدینگی اصلاح نظام بودجه‌ریزی دولت ضروری است. همچنین بانک مرکزی می‌تواند در صورت لزوم،

بانک‌های تجاری نیز بر حجم پول و نقدینگی کشور تأثیرگذار است. پایه پولی کشور در سال 1382 با 11/3 درصد افزایش نسبت به سال قبل به 133 هزار میلیارد ریال رسید در حالی که میزان پایه پولی در کشور در سال 1386 مبلغ 147 هزار میلیارد ریال بوده است. یادآوری می‌شود شاخص پایه پولی از مجموع اسکناس و مسکوک نزد مردم، سپرده‌های قانونی و سپرده‌های اضافی بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی تشکیل می‌شود. همچنین در پایان سال 1385 میزان نقدینگی کشور بالغ بر 526 هزار و 596 میلیارد ریال بود که نسبت به سال 1381 بیش از 26 درصد رشد داشته است. با توجه به این که در سال 1382 اجزای تشکیل دهنده نقدینگی یعنی پول و شبه پول به ترتیب 19 و 31/7 درصد افزایش داشته، رشد نقدینگی در سال 1383 تقریباً 30/5 درصد افزایش پیدا کرده و در سال 1384 به علت ازدیاد برداشت از حساب ذخیره ارزی به حدود 34/4 درصد و در سال 1385 این نرخ به حدود 40 درصد افزایش پیدا کرده است. در سال‌های اخیر رشد نقدینگی به‌طور عمده از رشد شبه پول (سپرده‌های غیر دیداری شامل سپرده‌های قرض‌الحسنه، سپرده‌های پس‌انداز مسکن، سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، یکساله، دوساله و مانند آنها) ناشی شده است. همان‌طور که بیان شد یکی از عوامل مهم و مؤثر بر افزایش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات رشد حجم پول طی سال‌های گذشته بوده است. میزان کسری بودجه دولت در

قاعده‌ای به نام قاعده پولی بهینه نام می‌برد. این قاعده در فضای نرخ بهره اسمی صفر، اقتصاد را در وضع تخصیص بهینه پارتو قرار می‌دهد.

2. نقدینگی عبارت است از حجم پول و شبه پول. افزایش نقدینگی عبارت است از افزایش حجم پول (مسکوک و غیرمسکوک) و شبه پول (سپرده‌های دیداری و غیر دیداری، کوتاه‌مدت و بلندمدت) در طول یک دوره زمانی مشخص.

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران ...

سال 1385، تقریباً 70000 میلیارد ریال معادل 7 هزار میلیارد تومان می‌باشد. بدون در نظر گرفتن این کسری میزان رشد نقدینگی طی سال 1385 به حدود 40 درصد رسیده است.¹ کاهش نرخ تورم مورد انتظار، بیش از هر متغیر دیگری می‌تواند منجر به کاهش نرخ تورم گردد. بنابراین هر سیاست اقتصادی که بتواند منجر به کاهش این متغیر شود، بهترین سیاست برای مبارزه و کاهش نرخ تورم است. دولت می‌تواند به نحو مؤثری بر انتظارات تورمی تأثیر بگذارد. برای مثال حفظ ثبات نسبی در سیاستها گام مؤثری است در این راستا، البته قسمتی از عوامل مؤثر بر انتظارات تورمی، متأثر از سیاست خارجی و اقتصاد جهانی است که توسط سیاستهای اقتصادی داخلی آنچنان تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. ضروری است بانک مرکزی استقلال عمل بیشتری پیدا کند تا ضمن پرداختن به وظایف اصلی خود که تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و اجرای سیاستهای پولی می‌باشد در بازارهای داخلی اوراق قرضه ریالی و در بازارهای جهانی اوراق قرضه ارزی منتشر کند و نسبت به هرگونه کاهش در قدرت خرید ریال، حساسیت به خرج دهد. برای کاهش تورم می‌توان از طریق سیاستهای اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده کرد. از این رو

همچنین انقباض و کاهش هزینه‌های جاری خود را به‌طور مستمر پیگیری نماید.

در بحث سیاستهای بلندمدت، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی مستقل شود و بر اساس سیاستهای مالی و پولی صحیح در راستای کنترل تورم گام بردارد. استقلال بانک مرکزی این امکان را ایجاد می‌کند که دولت به راحتی نتواند با اتکاء به این بانک، هزینه‌ها و کسری بودجه خود را افزایش دهد. دولت باید در راستای تأمین مالی کسری بودجه خود از طریق استقراض از مردم و بانکهای تجاری در مبارزه با تورم اقدام کند. پیشنهاد می‌شود که دولت برای مبارزه جدی با تورم ضمن تشویق مردم به مصرف کمتر و پس‌انداز بیشتر باعث کاهش تقاضای کل و افزایش سرمایه‌گذاری و در نهایت افزایش تولید و رشد اقتصادی شود.

نکته پایانی این که دولت باید اقدام به برابر نمودن نرخ افزایش حجم نقدینگی با نرخ رشد تولید واقعی کند. افزایش رشد نقدینگی در سال 1385 که به حدود 35/6 درصد رسیده بود همچنین اثر افزایش این میزان در پایان سال 1386 و در نهایت در ابتدای سال 1387 باعث افزایش میزان تورم در اقتصاد ملی شده است. وجه به آمار جدید به روز شود) در کشور ایران اصولاً ریشه تورم در سیاستهای پولی و مالی است و به‌طور عمده در کسری بودجه دولت نهفته است. به همین دلیل است که تاکنون دولت قادر نبوده نرخ تورم را کاهش دهد. در سالهای پس از

1. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، شماره 45، سال 1386.

انقلاب اسلامی همواره با نرخهای دو رقمی تورم روبرو بوده‌ایم و در طول سالهای 1384 و 1385 که طرح تثبیت قیمتها به مرحله اجرا گذاشته شد با پتانسیل نرخ تورم روبرو شدیم. این مسئله در سال 1386 و در سالهای آتی اقتصاد کشور را با تورم بسیار شدید روبرو کرده و ممکن است این روند تداوم یابد، از این رو دولت باید در راستای کاهش میزان تورم در کشور اقدامات جدی به عمل آورده و میزان نقدینگی در اقتصاد ملی را به عنوان یکی از عوامل افزایش میزان تورم کنترل نماید.

منابع

الف) فارسی

- اژنور، پیر ریچارد (1374)، «برنامه ضد تورمی معتبر»، ترجمه محمدحسین امراللهی، نشریه علمی-تخصصی *روند*، سال ششم، شماره 20 و 21، بهار و تابستان.
- افشین‌نیا، منوچهر (1377)، «برآورد تأثیر تغییرات بلندمدت حجم پول و نقدینگی بر سطح عمومی قیمتها در ایران»، *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره 8، پاییز.
- بازرگان، فرهاد و ابوالفضل اکرمی (1380)، «تبیین اثرات متغیرهای سیاستی بر تورم، تراز پرداختها و رشد اقتصادی در ایران»، *نشریه علمی-تخصصی روند*، سال 11، شماره 32 و 33، بهار و تابستان.
- بافکر، آزیتا (1377)، «بررسی علل تورم در ایران به روش همجعی 1374-1338»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.
- بانک مرکزی جمهوری ایران (1388-1362)، *سالهای مختلف اجرای برنامه اول و دوم و سوم و چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور*.
- تفضلی، فریدون (1381)، *نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، تهران، نشر نی.
- جعفری صمیمی، احمد (1372)، «سیاستهای کنترل تورم، تجربه کشورهای آمریکایی لاتین»، *مجله علمی پژوهشی سیاست خارجی*، شماره‌های 2 و 3، پائیز.
- جعفری صمیمی، احمد (1385)، *اقتصاد بخش عمومی*، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، چاپ هشتم.
- درگاهی، حسن و احمد آتشک (1381)، «هدف‌گذاری تورم در اقتصاد ایران: پیش‌شرطها و تبیین ابزارهای سیاستی»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره 60، بهار و تابستان، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور (1379)،

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران ...

پیوست شماره 2.

طیبیان، محمد و داوود سوری (1375)، «ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران»، پژوهشنامه بازرگانی، فصلنامه شماره 1، زمستان.

طیب‌نیا، علی (1378)، «تبیین پولی تورم: تجربه ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 49، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.

طیبیان، محمد (1378)، اقتصاد ایران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، پائیز.
عباسی‌نژاد، حسین و احمد تشکینی 1383، «آیا تورم در ایران یک پدیده پولی است؟»، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

عباسی‌نژاد، حسین و افسانه شفیعی (1384)، «آیا در اقتصاد ایران پول واقعا خنثی است؟»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 68.

کازرونی، علیرضا و برات اصغری (1381)، «آزمون مدل کلاسیک تورم در ایران، روش همگرایی»، پژوهشنامه بازرگانی، فصلنامه شماره 23، تابستان.

گرچی، ابراهیم (1376)، «ارزیابی مهمترین مکاتب اقتصاد کلان»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول، شهریور.

نظیفی، فاطمه (1376)، «آیا ماهیت تورم در ایران پولی است؟»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره 1.
نیلی، مسعود (1366)، «بررسی مسأله تورم در ایران»، مجله برنامه و توسعه، شماره 9، بهار.

ب) انگلیسی

Ahmed, S. and G. Morteza (2005), "Inflation and Economic Growth in Bangladesh: 1981-2005", Research Economist, Policy Analysis Unit, Research Department, Bangladesh Bank, Working Paper Series: WP 0604.

Andersson, Pre- Ake and Boo Sjoo (2000), "Controlling Inflation During Structural Adjustment: The Case of Zambia", *Development Discussion Paper*, No. 754, February.

Balassa, Bela (1985), "Exports, Policy Choices and Economic Growth in Developing Countries After the 1973 Oil Shock", *Journal of Development Economics*, No. 18, pp. 23-35.

Black, C., David Dowd, R. Micheal and K. Keith (2001), "The Inflation-Growth Relationship: Evidence from State Panel Data", Department of Economics, the University of Toledo, Ohio 43606.

Canetti, Elias and Jashua Greene (2000), "Monetary Growth and Rate Depreciation as Causes of Inflation in African Countries", International Monetary Fund, September.

Chow, G. and Y. Shen (2004), *Money, Price Level and Output in Chinese Macro Economy*, Princeton University.

Christoffersen, P. and P. Doyle (1998), "From Inflation to Growth: Eight

- Years of Transition", International Monetary Fund, Working Paper, European Department, No. WP/98/100.
- Cooray, Arusha (2002), "Testing the Fisher Effect for Srilanka with a Rate of Inflation as Proxy for Inflationary Expectations", *The Indian Economic Journal*, Vol. 50, No 1.
- De Gregoria, Jose (1992), "The Effects of Inflation on Economic Growth: Lessons from Latin America", *European Economic Review*, No. 36, pp. 417-425.
- Dorrance, G. (1996), "Inflation and Growth", The Statistical Evidence, IMF Staff Papers, No. 13, pp. 82-102.
- Fischer, S. (1983), "Inflation and Growth", NBER Working Paper, No.1235, Cambridge, MA.
- Fisher, Irving (1911), *The Purchasing Power of Money*, Macmillan, New York, p. 32-3.
- Gani, A. (1998), "Macroeconomic Determinants of Growth in the South Pacific Island Economics", *Applied Economic Letters*, Vol 5, pp. 747-749.
- Gordon, J. Robert (1996), "The Time-Varying Nairu and Its Implications for Economy Policy", NBER Working Paper Series, Cambridge, MA 02138, Working Paper 5735.
- Harris, N. M. Gillman and Matyas (2002), "The Negative Inflation- Growth Effect: Theory and Evidence", Melbourne Institute of Applied Economic and Social Research, University of Melbourne and Central European University, Working Paper No. 12/01.
- Jafari Samimi, A. (1994), "Inflation and Economic Growth in Developing Countries: Further Empirical Evidence", University of Reading, Department of Economics, *Discussion Papers in Economics*, Vol.VII, No. 286.
- Johnson, O. E. G. (1984), "On Growth and Inflation on Developing Countries", *IMF Staff Papers*, Vol. 31, pp. 636-660.
- Knut, Wicksell (1965), *Interest and Prices*, Trans, Richard F. Kahn, A. M. Kelly, New York.
- Kormendi, R. and P. Maguire (1985), "Macroeconomic Determinants of Growth: Cross- Country Evidence", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 16, pp. 141-163.
- Li, M. (2004), "Inflation and Economic Growth: Threshold Effects and Transmission", Department of Economics, University of Alberta, Canada.
- Mallik, G and A. Chowdhury (2001), "Inflation and Economic Growth: Evidence from Four South Asian Countries", *Asia-Pacific Development Journal*, Vol. 8, No. 1.
- Mubarik, A. Yasir (2005), "Inflation and Growth: an Estimate of the Threshold Level of Inflation in Pakistan", SBP-Research Bulletin, Volume I, Number I.
- Orphanides, A. and R. Solow (1990), "Money, Inflation and Growth, in B. Friedman and F. Hahn (Eds), *Handbook of Monetary Economics* (North-

بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران ...

Holland, Amsterdam.

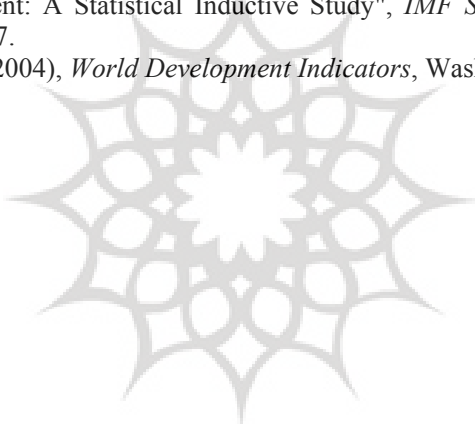
Satya, Paul, C. Kearey and K. Chowdhury (1997), " Inflation and Economic Growth: A Multi-Country Empirical Analysis", *Applied Economics*, No. 29, pp. 1387-1401.

Sepehri, A. and S. Moshiri (2001), "Inflation-Growth Profiles Across Countries: Evidence from Developing and Developed Countries", Department of Economics, University of Manitoba, Winnipeg, Manitoba, Canada, R3T 5V5 and Department of Social Science, University of New Brunswick Saint John, NB, Canada E2L 4L5.

Siregar, Reza Y. and Gulasekaran Rajjaguru (2002), "Base Money and Exchange Rate: Sources of Inflation in Indonesia during the Post 1997 Financial Crisis", Discussion Paper, No. 0221, August.

Wai, Tun U. (1959), "The Relationship between Inflation and Economic Development: A Statistical Inductive Study", *IMF Staff papers*, No. 7, pp. 302-317.

World Bank (2004), *World Development Indicators*, Washington DC.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی